

خطبه ی اول:

سپاس خدای را. او را سپاس می‌گوییم، از او یاری می‌جوییم، از او طلب هدایت می‌کنیم و از شر نفس و اعمال بدمان به او پناه می‌آوریم. هر کس را که خدا هدایت کند کسی نمی‌تواند گمراه کند و هر کس را که خدا گمراه کند هرگز برایش حامی و هدایت کننده ای نخواهی یافت. و گواهی می‌دهم که معبودی جز الله نیست، یگانه است و شریک ندارد. به نشانه ی اقرار به خداوندی اش و تحقیر کسانی که او را انکار کرده و به او کفر ورزیده اند. و گواهی می‌دهم که سرورمان محمد صلی الله علیه و آله وسلم رسول او، تا چشمی ببیند و گوشه بشنود [تا پایان حیات]، سرور مخلوقات و بشریت خواهد بود. پروردگار! تا روز قیامت درود، سلام و برکت بفرست بر سرورمان محمد و بر خاندان و یارانش و نسل او و کسی که محبت او در دل دارد و کسی که از او پیروی کند. پروردگارا، ما را علمی نیست جز آن چه به ما آموختی، به راستی که دانا و باحکمتی، بار الهی، آن چه به سود ماست، به ما بیاموز و از آن چه به ما آموختی، به ما منفعت برسان و بر علم ما بیفزای، حق را به ما حق بنما و توفیق پیروی از آن را نصیبمان گردان و باطل را به ما باطل بنما و توفیق اجتناب از آن را به ما ارزانی کن و ما را از کسانی بگردان که سخن را می‌شنوند و از بهترینش پیروی می‌کنند و با رحمت خود ما را در زمره ی بندگان نیکوکار قرار ده.

اختلاط:

برادران گرامی، علت انتخاب این موضوع برای سخنرانی، مشکلات بی شماری است که اکنون وجود دارد. به دلیل لطفی که خداوند در مسیر دعوت به من نموده است، پرسش‌های بسیاری برای مطرح می‌شود که علتش مشکلات خانوادگی است. چه بسا ریشه‌ی بیشتر این مشکلات و گرفتاری‌ها به اختلاط برمی‌گردد. چه بسیار شوهرانی که همسرشان را رها کرده و به زن دیگری تمایل پیدا کرده‌اند؟ و چه بسیار زنانی که از شوهر خود جدا شده و به مرد دیگری پیوسته‌اند؟ چه بسیار کودکانی که آواره شده‌اند؟ چه بسیار خانه‌هایی که نابود شدند؟ چه فسادهایی که ترویج یافته؟ همه ی این‌ها به خاطر رعایت نکردن احکام شریعت در زمینه ی اختلاط است. برادران ارجمند، دعوت آشکار یا پنهان به اختلاط، دعوت به نابودی جامعه است؛ زیرا خداوند عز و جل زن را در تکلیف، احترام و مسؤولیت مساوی با مرد قرار داده است اما زن خصوصیت‌هایی دارد که خدای تعالی به او اکرام نموده تا نزد شوهرش محبوب باشد همان طور که مرد را با ویژگی‌هایی گرامی داشته که بسان مدافع، حامی و پشتیبان همسرش باشد. این اصل و پایه‌ی طراحی الهی است. زن برای خدمت شوهر و فرزندانش و شوهر با توانمندی‌های عقلی، جسمی و اجتماعی برای رهبری و فرماندهی این مرکب طراحی شده‌اند. اما وقتی برگ به هم آمیخت و این تفاوت بزرگ را که قرآن بر آن تاکید می‌کند، را نادیده گرفتیم:

﴿ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنثَى ﴾
(پسر مانند دختر نیست.)

[سورهی آل عمران: ۳۶]

همه چیز به هم ریخت، برگه‌ها و برنامه های جامعه آشفته گردید، این اختلاط، باعث ایجاد فساد بیش از حد گردید؛ و اسلام مسئول مشکلات بی پایان ناشی از رعایت نکردن حدود آن نیست.

پیامدهای بی‌شمار اختلاط:

برادران گرامی، کسی که می‌خواهد بداند اختلاط چه فسادهای بی‌شماری را به بار آورده است به جوامع دور از ما بنگرد که به این مصیبت بزرگ مبتلا شده اند و ما نیز از آنان پیروی کرده ایم. به جوامعی بنگرد که خواسته یا ناخواسته در دام این بلای بزرگ گرفتار شده اند و با نگاهی منصفانه و حق طلبانه بدان بنگرد؛ انحراف، آشوب و فروپاشی خانواده را می‌بیند. این‌ها همه پیامدهای حتمی این خلاف بزرگ در شریعت ما می‌باشد.
برادران گرامی، خداوند عز و جل می‌فرماید:

﴿ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ ﴾

(تباهی و خرابی در دریا و خشکی به خاطر کارهایی پدیدار گشته است که مردمان انجام می‌داده اند.)

[سورهی روم: ۴۱]

این حرف «ب» در «بما» در این جا سببی است، حرف جر اما به معنای سبب، یعنی به دلیل کارهایی که از مردم سر زده است، خدای تعالی می‌فرماید:

﴿ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا ﴾

(تباهی و خرابی در دریا و خشکی به خاطر کارهایی پدیدار گشته است که مردمان انجام می‌داده اند تا پیامد برخی از کارهایشان را به آنان بچشاند.)

[سورهی روم: ۴۱]

معصیت و گناه پیامدهای اجتماعی ویرانگری دارد و خداوند از روی حکمت و لطف خود برای این نافرمایی پیامدهایی قرار داده است و اگر این پیامدها نمی‌بود؛ گناه و نافرمانی برای مردم لذتبخش می‌بود و از گناهانشان توبه نمی‌کردند، خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴾

(تباهی و خرابی در دریا و خشکی به خاطر کارهایی پدیدار گشته است که مردمان انجام می‌داده اند. بدین وسیله خدا سزای برخی از کارهای را که انسانها انجام می‌دهند بدیشان می‌چشاند تا این که آنان (بیدار شوند و از دست یازیدن به معاصی) برگردند.)

[سورهی روم: ۴۱]

فروپاشی خانواده، بی‌خانمان شدن کودکان، مقدمه‌ی خیانت‌های زناشویی، تمام این‌ها از پیامدهای اختلاط است. قسم به خدایی که جز او معبودی نیست، صدها مورد از حالت‌هایی که به حکم کارم در

دعوت از آن مطلع شده ام، خیانت زناشویی است که اختلاط مسبب آن بوده است. علت بی توجهی شوهر به همسر و توجه به یک معشوقه، اختلاط است و این معمولاً بین خویشاوندان اتفاق می افتد، کسانی که وارد خانه‌ی شما می شوند، گویی اسلام از زندگی جدا است. اسلام، عبادت‌هایی است که ما آن را انجام می دهیم اما هر طور می خواهیم زندگی می کنیم. وقتی سبک و روش غربی وارد زندگی ما شد، اختلاط، بی بند و باری، بی حجابی ترویج یافت برای آنچه اکنون میان مردم رواج دارد بهای گزافی پرداخت نموده ایم. برادران، ما دین داریم. وحی آسمانی داریم. روش الهی، کتاب خدا، سنت رسول الله را به همراه داریم، نباید از آن منحرف شده و به سمت اموری که باعث فساد زندگی ما می شود؛ متمایل شویم.

مأموریت شیطان، آراستن حرام برای مردم است:

اولاً: برادران، برای ملموس تر شدن موضوع مثالی می زنم، اگر بگوییم خلبانی هواپیمایی را می راند و سلامتی پانصد سرنشین به عهده‌ی اوست: این اتاق تنگ را رها کن و بیرون برو، از این اتاق خارج شو، این جا اتاق کنترل است و نشستن او در پشت فرمان هواپیما و مراقبت و توجه به سیستم و دستگاه‌های هواپیما تضمین کننده‌ی سلامت سرنشینان است. زن برای مادر بودن طراحی گشته است، و البته جالب توجه است که زن در اسلام از قداست برخوردار است به گونه‌ای که اگر شوهرش در دفاع از او بمیرد، شهید می شود، اگر برادر و پسرش در دفاع از او کشته شوند؛ شهید می شوند.

برادران گرامی، آیا این جایگاه والا را دیدید؟ مرد چه شوهر باشد، چه پدر، چه پسر، چه برادر اگر در دفاع از همسرش، مادرش، خواهرش یا دخترش کشته شود؛ در راه خدا کشته شده است، پس چطور ناموس مسلمانان در میان مردم رها شده است؟ چطور زن، به شکل بی بند و باری از خانه خارج می شود؟ چطور همه‌ی این ارتباطات، مناسبت‌ها و جشن‌ها به شکل مختلط است؟ چشم هر مردی به زنی دوخته شده و چشم هر زنی به دنبال مردی است، هر زنی با وسوسه‌ی شیطان از مردی غیر از شوهرش خوشش می آید و هر مردی زنی غیر از همسرش را می پسندد. اولین مأموریت شیطان این است که حرام را در نظرتان بیارید، تو را از حلال دور کند، تو را از همسرت متنفر سازد، زنان دیگر را در نظرت نیکو جلوه دهد. این کار شیطان است.

برادران گرامی، زنی که خداوند شکایتش را از بالای هفت آسمان شنید، خدای تعالی می فرماید:

﴿ قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ ﴾

(خداوند گفتار آن زنی را می پذیرد که درباره شوهرش با تو بحث و مجادله می کند و به خدا شکایت

می برد.)

[سوره‌ی مجادله: ۱]

نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد و گفت: ای رسول خدا، همسر من زمانی که دختر جوانی بودم، خانواده و مال و منال و زیبایی داشتم، با من ازدواج کرد، اکنون که سن و سالم بالا رفته، شکمم کمرخت شده، خانواده ام از دست رفته اند، مال و منال تمام شده می گوید: تو برای من بسان پشت مادرم هستی. من از او فرزندان دارم، اگر آنان را به او بسپارم، تلف می شوند _ چون من آنان را تربیت می کنم _ اگر همراه من باشند گرسنه می مانند چون او خرجشان را می دهد.

آیا این دو نقش مکمل را دیدید؟ من تربیت می کنم، من قهرمان می سازم، من مرد می سازم، من افراد

مفید، منظم، راستگو و امانتدار تحویل جامعه می‌دهم. او خرجشان را می‌دهد. اما زمانی که زن خانه را رها کرده و با مردان اختلاط نماید، زنانگی اش را از دست می‌دهد و مرد نیز مردانگی اش را از دست می‌دهد. از جمله نشانه‌های قیامت این است که غیرت و مردانگی از سر مردان و حیا از روی زنان رخت برمی‌بندد. خداوند عز و جل می‌فرماید:

﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ﴾

(مردان بر زنان سرپرستند بدان خاطر که خداوند بعضی را بر بعضی فضیلت داده است، و نیز بدان خاطر که از اموال خود خرج می‌کنند.)

[سوره‌ی نساء: ۳۴]

شما با خصلت‌ها و ویژگی‌هایی که برای شما امتیاز اما برای همسران کاستی به حساب می‌آید؛ برتری داده شده‌اید و همسران نیز به ویژگی‌هایی که برای او امتیاز و برای شما کاستی است؛ برتری داده شده است.

مأموریت بسیار مهمی که به عهده‌ی زن گمارده شده است

برادران گرامی، خدای تعالی می‌فرماید:

﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا * وَادْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا﴾

(و در خانه‌های خود بمانید و همچون جاهلیت پیشین در میان مردم ظاهر نشوید و خودنمایی نکنید و نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و از خدا و پیغمبرش اطاعت نمائید. خداوند قطعاً می‌خواهد پلیدی را از شما اهل بیت دور کند و شما را کاملاً پاک سازد. و آیات خدا و سخنان حکمت‌انگیز را که در منازل شما خوانده می‌شود یاد کنید. بی‌گمان خداوند دقیق و آگاه است.)

[سوره‌ی احزاب: ۳۳-۳۴]

معنای این فرمایش الهی: (و در خانه‌های خود بمانید) این است که شما مهم‌ترین مأموریت زندگی یعنی تربیت فرزندان را بر عهده دارید:

الأم مدرسة إذا أعددتها أعددت شعباً طيب الأعراق

مادر دبستانی است گر کردی مهیایش * آماده کردی ملتی نیکو به دستانش

مادری که فرزندانش را تربیت می‌کند، بزرگ‌ترین خدمت را به جامعه می‌کند. آنان را بر صداقت، امانتداری، عفت و استقامت تربیت می‌کند. به جسم، منافع، عقل، تحصیل و نیازهایشان اهمیت می‌دهد.

برداران، آیا در اسلام کاری بهتر و برتر از جهاد وجود دارد؟ جهاد، نوک قله‌ی اسلام است. از ابوهریره رضی الله از پیامبر صلی

الله علیه وسلم روایت کرده که فرمود:

((مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَغْزُ وَلَمْ يُحَدِّثْ نَفْسَهُ بِغَزْوٍ مَاتَ عَلَى شُعْبَةٍ نِفَاقٍ))

(کسی که جهاد نکرده یا آرزوی جهاد نداشته باشد و بمیرد، بر نوعی نفاق مرده است.)

[مسلم از ابوهریره]

چطور پیامبر علیه الصلاة والسلام در حدیث صحیح می‌فرماید:

((انصرفي أيتها المرأة، وأعلمي من وراءك من النساء أن حسن تبعل إحدانك لزوجها وطلبها

مرضاته واتباعها موافقته يعدل ذلك كله - أي يعدل الجهاد في سبيل الله))

(برو ای زن و به زنان دیگر بگو که نیک شوهر داری و کسب رضایت شوهر و پیروی از

خواسته‌های او برابر با تمام آن است _ یعنی جهاد در راه خدا.)

[ابن عساکر و بیهقی در شعب الإيمان از أسماء بنت یزید انصاری]

کدام زن این حدیث را می‌خواند و آن را ارج نهاده و بدان عمل می‌کند؟ اگر زنان مسلمان به این حدیث عمل می‌کردند؛ اوضاع و احوالشان این نبود.

برادران گرامی، بدون شک وقتی به یک دانش آموز سخت کوش و موفق می‌گویید تلاش کند، این دستور از باب اولی، متوجه کسی است که کوتاهی می‌کند. پس حال که به زنان پیامبر صلی الله و همسرانش و دخترانش فرمان داده شده که در خانه هایشان بمانند درحالی که صاحب مقامی و الا، منزلتی بلند مرتبه و نیک نفس هستند؛ پس اولی تر این است که این امر متوجه عموم زنان مؤمنان باشد. اما در این آیه نکته‌ی جالب و زیبایی دیگری هم هست، این که وقتی این زن در خانه‌اش می‌ماند و به فرزندان و تربیتشان توجه کرده و به شوهرش اهمیت دهد؛ خدای تعالی می‌فرماید:

﴿ وَذُكِّرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ ﴾

(و آیات خدا و سخنان حکمت انگیز را که در منازل شما خوانده می‌شود یاد کنید.)

[سوره‌ی احزاب: ۳۴]

یعنی وقتی خودش را با علوم شریعت، شناخت خدا و کتابش، شناخت سنت رسول الله سرگرم می‌کند، این مأموریت مهمی که به او واگذار شده است؛ با این شناخت متناسب است. اما وقتی در خانه می‌ماند تا داستان‌های پوچ و بیهوده مطالعه کند یا صحنه‌های مبتذل نگاه کند، این معنایی جز رویگردانی از منهج الهی ندارد. وقتی از آن چه دشمنان اسلام برایش می‌فرستند از برنامه‌ها گرفته تا سریال‌ها، بدون شک چنین تغذیه‌ای به او اجازه نمی‌دهد که در خانه بماند چون بیرون رفتن از خانه به او القا شده است، به او تلقین شده که همتای مرد باشد، به جامعه‌ی مردان نفوذ کند، خود را شبیه مردان بگرداند، از زنانگی دوست داشتنی دور باشد، برادران، به سخن خدای تعالی در داستان سیدنا شعیب دقت کنید:

﴿ فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَىٰ اسْتِحْيَاءٍ ﴾

(یکی از آن دو (دختر) که با نهایت حیاء گام برمی‌داشت، نزد او آمد.)

[سوره‌ی قصص: ۲۵]

چه چیزی در زن، نظر مرد را جلب می‌کند؟ حیاءش، چه چیزی در مرد نظر زن را جلب می‌کند؟ قدرتش. می‌گوید:

﴿ قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ ﴾

(یکی از آن دو [دختر] گفت ای پدر او را استخدام کن چرا که بهترین کسی است که استخدام می کنی

هم نیرومند [و هم] در خور اعتماد است)

[سوره ی قصص: ۲۶]

چیزی که نظر زن را در مرد به خود جلب می‌کند، قدرت و امانتداری اش است، نه نرمی و لطافت سخنانش، اما چیزی که توجه مرد را در زن جلب می‌کند، حیاض است نه بی‌حیایی، و نه مرد صفتی یا دور شدن از زنانگی اش.

حجاب، عبادت مخصوص زنان:

برادران گرامی، خدای تعالی می‌فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا

يُؤْذِينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴾

(ای پیغمبر! به همسران و دختران خود و به زنان مؤمنان بگو که ردهای خود را جمع و جور بر

خویش فرو افکنند. تا این که دست کم باز شناخته شوند و در نتیجه مورد اذیت و آزار قرار نگیرند.

خداوند آمرزنده و مهربان بوده و هست)

[سوره ی احزاب: ۵۹]

یعنی وقتی زن حجاب بپوشد، با حجابش تأکید می‌کند که او مسلمان و مؤمن است و حداقل چیزی است که معرف اوست نه بالاترین چیزی که معرف اوست. یعنی وقتی دانش آموزی را می‌بینی که لباس جوانان را پوشیده است، این لباس بیانگر آن است که او دانش آموز دبیرستان است، ممکن است از تمام مدارس اخراج شده باشد، ممکن است شاگردی تنبل باشد، ممکن است از تمام مواد صفر گرفته باشد، اما این لباس‌هایی که می‌پوشد، احساسی ذاتی در او ایجاد می‌کند، کمترین چیزی که در او ایجاد می‌کند این است که او یک دانش آموز است، این حجابی که زن می‌پوشد، کمترین چیزی است که احساس مؤمن بودن را در او ایجاد می‌کند، بلکه برخی از زنان از این گله مندند که مردان عبادات خاص خودشان را دارند، جهاد می‌کنند، در نماز جمعه و نماز جماعت شرکت می‌کنند، اما زن فراموش کرده که عبادت خاص به خود را دارد، عبادتی که او را از مرد متمایز می‌دارد، این عبادت چیست؟ عبادت حفظ پاکدامنی جوانان با حجاب خود؛ زیرا مرد ممکن است در تابستان لباس نازک بپوشد و در پوشیدن لباس آزاد است، اما زن مسلمان اگر هوا هم بسیار گرم باشد، باز هم دینش به او اجازه نمی‌دهد که لباسش را کم کند، بنابراین دستور داده شده زن لباس بلند و ضخیم بپوشد تا رنگ پوست یا حجم اندامش پدیدار نگردد، با این کار در راه طاعت پروردگارش از برخی آزادی هایش دست می‌کشد، این عبادت زن است، عبادت مخصوص زن.

برادران گرامی، خداوند عز و جل می‌فرماید:

﴿ قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ ﴾

(به مردان مؤمن بگو: چشمان خود را فرو گیرند، و عورت‌های خویشان را مصون دارند. این برای

ایشان زیبنده تر و محترمانه تر است.)

[سوره ی نور: ۳۰]

این چیزی است که خداوند عز و جل می‌گوید، ای مؤمنان وقتی چشمانتان را فرو هشته می‌دارید، برای شما پاک تر است و ای زنان مؤمن، وقتی چشمتان را فرو هشته می‌دارید؛ برای شما پاک تر است.

تحریم تمام ابزار و راه‌های منتهی به امور حرام در اسلام:

برادران گرامی، اسلام در اصل تمام ابزار و راه‌های منتهی به امور حرام را تحریم کرده است. سخن گفتن با مردان به نرمی و لطافت، را برای زن مسلمان پایبند حرام نموده است. خدای تعالی می‌فرماید:

﴿ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا ﴾
(صدا را نرم و نازک نکنید که بیمار دلان چشم طمع به شما بدوزند.)

[سوره‌ی احزاب: ۳۲]

در آن شکستگی و نرمی است، وقتی زن از فروشنده چیزی می‌خرد، چه بسا با نرمی و لطافت با او سخن بگوید، یا در حرکاتش ناز و نرمش باشد یا صدایش را نازک کند و یک بیمار دل به او چشم طمع بدوزد، می‌فرماید:

﴿ يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا ﴾

(ای همسران پیغمبر! شما مثل هیچ یک از زنان نیستید. اگر می‌خواهید پرهیزگار باشید صدا را نرم و نازک نکنید که بیمار دلان چشم طمع به شما بدوزند. و بلکه به صورت شایسته و برازنده سخن بگوئید.)

[سوره‌ی احزاب: ۳۲]

سیدنا موسی گفت: چکار می‌کنی؟ دختر جواب داد:

﴿ لَا نَسْقِي حَتَّى يُصَدَرَ الرَّعَاءُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ ﴾

(گفتند: پدر ما پیرمرد کهنسالی است و ما گوسفندانمان را آب نمی‌دهیم تا چوپانان برگردانند)

[سوره‌ی قصص: ۲۳]

وقتی او را به صرف غذا نزد پدرش دعوت کرد، چه گفت؟ نگفت: پدرم تو را دعوت کرد و دیگر هیچ. به چه مناسبتی؟ این جاست که گفتگو صورت می‌گیرد، پس گفت:

﴿ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا ﴾

(پدرم از تو دعوت می‌کند تا پاداش این که ما را آب داده ای، به تو بدهد.)

[سوری قصص: ۲۵]

سخنی که نیاز به هیچ جواب، بحث یا گفتگویی ندارد، سیدنا موسی به آن دو چه گفت؟ گفت:

﴿ مَا خَطْبُكُمَا ﴾

(شما دو نفر چکار می‌کنید؟)

[سوره‌ی قصص: ۲۳]

با این که می‌شد عباراتی نرم تر و طولانی تر و حاکی از دلسوزی بیشتری به کار برد:

﴿ مَا خَطْبُكُمْ قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصَدِرَ الرِّعَاءَ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ ﴾

(شما دو نفر چه کار می‌کنید؟ گفتند: پدر ما پیرمرد کهنسالی است و ما گوسفندانمان را آب نمی‌دهیم تا چوپانان برگردانند.)

[سوره‌ی قصص: ۲۳]

زن باید این گونه با مردان سخن بگوید، مختصر و مفید، سخنی که دو پهلو نباشد، سخنی که نیاز به سؤال و جواب و گفتگو نداشته باشد، مختصر، با تن صدایی جدی. اما به نرمی سخن بگوید، مرد هم با او به نرمی سخن می‌گوید، وقتی زیبایی هایش را نمایان کند، آنان هم زیبایی هایش را می‌ستایند و مشکل از این جا شروع می‌شود. برادران، در اسلام توجیه زیبایی وجود دارد، یعنی گاهی اوقات برخی گناهان قدرت جذب دارند، شما مکلف به دوری از آن گناهان نیستی بلکه مکلف به دوری از مقدمات آن هستی و این مفهوم فرمایش الهی است:

﴿ وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانَا ﴾

(و به زنا نزدیک نشوید)

[سوره‌ی اسراء: ۳۲]

اگر یک جریان فشار قوی وجود داشته باشد، و بخواهید مردم را از آن برحذر دارید. این جریان منطقه‌ی ممنوعه‌ای به طول هشت متر دارد و اگر انسان وارد این منطقه شود؛ جریان او را به سمت خودش می‌کشد. این جریان، نیروی کشش دارد. اگر بخواهید مردم را از خطر این جریان مطلع سازید؛ می‌گویید: شهروندان نباید به این جریان دست بزنند یا نباید به این جریان نزدیک شوند؟ این مفهوم فرمایش خدای تعالی است که می‌فرماید:

﴿ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرَبُوهَا ﴾

(این حدود و مرزهای الهی است و بدانها نزدیک نشوید.)

[سوره‌ی بقره: ۱۸۷]

فحشا، مقدماتی دارد، مسلمانان از مقدمات آن نهی شده‌اند، از اختلاط، از هم نشینی با ارادل، پرسه زدن در خیابان‌ها، صحبت درباره‌ی زنان، چشم چرانی، خواندن داستان‌های مبتذل، دنبال کردن سریال‌های مبتذل، مؤمن از تمام این‌ها نهی شده است به همین دلیل از مقدمات فحشا دوری می‌کند گویی در دژی مستحکم می‌باشد. یکی از علما گفته است: خداوند مانند زن در خانه اش را مایه‌ی آرامش می‌داند. خدای تعالی می‌فرماید:

﴿ وَقَرْنَ ﴾

(بمانید)

[سوره‌ی احزاب: ۳۳]

یعنی زن در خانه اش بماند تا آرامش قلب یابد، روحش آرام گیرد، و در امان باشد. اما اگر خارج شود، کسانی هستند که سخنانی به او بگویند، کسانی هستند که به آنان نگاه کند و از آنان خوشش بیاید، این جا مشکل پیش می‌آید. پس اصل این است که در خانه بماند و در وقت ضرورت از خانه خارج شود، بدون این که زینتش را نمایان سازد به همین دلیل اسلام از نرم سخن گفتن نهی کرده و به فروهستن چشم فرمان داده است، از خلوت با زن نامحروم نهی کرده مگر این که محرمی همراهش باشد، از سفر با زن نامحرم نیز نهی کرده است. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است:

((.... وَلَا تُسَافِرْنَ امْرَأَةً إِلَّا وَمَعَهَا مُحْرَمٌ....))

(زن مسافرت نکند مگر همراه با محرم)

[متفق علیه از ابن عباس رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا]

تمام این‌ها برای جلوگیری از فساد و بستن راه گناه است. اساساً در پلیس جنایی، یک قاعده‌ی طلایی وجود دارد: در هر جنایتی، دنبال زنی بگرد، من این مقوله را تصحیح می‌کنم: در هر مشکلی در عالم، به دنبال معصیتی بگرد.

هر مشکلی بر روی زمین به خاطر خارج شدن از منهج الهی به وجود می‌آید:

تمام مشکلات روی زمین به دلیل انحراف از برنامه‌ی الهی است، و خارج شدن از برنامه‌ی الهی فقط به دلیل جهل و نادانی است، جهل بدترین دشمن انسان است، جاهل با خودش کاری می‌کند، که دشمنش با او نمی‌کند. باور کنید برادران، داستان جالبی برایتان نقل می‌کنم که بیست و هفت سال پیش در این مسجد در سال‌های اول سخنرانی ام اتفاق افتاد، روزی به صحن مسجد رفتم، مردی را در حال گریه دیدم، به من گفت: مشکل بزرگی دارم، گفتم چه مشکلی؟ گفت: همسرم به من خیانت می‌کند و من از او پنج فرزند دارم. گفتم: با چه کسی؟ گفت: با همسایه‌ام. گفتم: چطور با همسایه‌ات آشنا شده است؟ گفت: به خدا باری برای شب نشینی به خانه‌ی ما آمد و من نخواستم او تنها باشد و به او گفتم: مادر فلانی، بیا پیش ما بنشین، او مثل برادرت است و این کار باعث خیانت زناشویی شد. به خدا سوگند هزاران داستان این چنینی وجود دارد، باور کنید من تا این عمرم در دعوت هزاران داستان شنیده‌ام، تمام این ماجراها، رسوایی‌ها، طلاق و بی‌خانمانی در نتیجه‌ی اختلاط صورت گرفته، امری بسیار مهم و خطرناک است؛ زیرا خداوند علاقه به زنان را در انسان قرار داده است، خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ ﴾

(برای انسان، محبت شهوات جلوه داده شده است، از قبیل: عشق به زنان و فرزندان)

[سوره‌ی آل عمران: ۱۴]

این تزیین خداوند است، اما شیطان تزیین و آراستگی متفاوتی دارد، شیطان زن همسایه را می‌آراید، زن دوست، زن نامحرم را زیبا جلوه می‌دهد. او را برای مرد بسان ملکه‌ی زیبایی جلوه می‌دهد درحالی که همسرش را این چنین نمی‌بیند، اما وقتی انسان افسارش را به دست و سوسه‌های شیطان می‌سپارد؛ گرفتار عمل زشتش می‌شود، به خدا قسم این موضوع را بی‌هدف انتخاب نکردم، با این که آن را زیاد تکرار کرده‌ام، خداوند عز و جل در قرآن کریم بعضی از داستان‌ها را هفده بار ذکر کرده است، زیرا موضوع بسیار مهمی است، هرگاه یک تماس تلفنی دریافت می‌کنم، بلافاصله پی می‌برم که ریشه‌ی مشکل در اختلاط است یا از سوی زن بی‌بند و بار یا شوهر بی‌بندوبار، و البته این کودکان هستند که بهای آن می‌پردازند. باید در حد و مرزهای شریعت بمانی، از پیامبر صلی الله علی وسلم روایت شده است که فرمود:

((مَا تَرَكَتُ بَعْدِي فِتْنَةً أَضَرَ عَلَى الرَّجَالِ مِنَ النِّسَاءِ))

(پس از خودم هیچ فتنه‌ای زیباتر از زنان برای مردن نگذاشتم.)

[متفق علیه از أسامة رَضِيَ اللهُ عَنْهُ]

پیامبر علیه الصلاة والسلام در روایتی که مسلم از پیامبر صلی الله علیه وسلم نقل کرده؛ می‌فرماید:

((اتَّقُوا الدُّنْيَا وَاتَّقُوا النِّسَاءَ فَإِنَّ أَوَّلَ فِتْنَةِ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَانَتْ فِي النِّسَاءِ))

(نسبت به دنیا و زنان تقوا پیشه کنید زیرا اولین فتنه‌ی بنی اسرائیل در زنان بود.)

[متفق علیه از أسامة رَضِيَ اللهُ عَنْهُ]

اعتراف غربی‌ها به مضرات اختلاط:

من مجبورم برخی از این نصوص را برای شما ذکر کنم نه هرگز برای این که از نظر من معتبر است، بلکه شگفت است که مردم از هر چه از غرب می‌آید، خوششان می‌آید. اما از چیزی که منشأ دینی دارد؛ ناخرسند و بی‌علاقه و متنفر هستند، بگذار آزاد باشیم، چنین چیزی تنها متناسب با مؤمنان آگاه و فهیم نیست بلکه برای عموم مسلمانان صادق است. یک نویسنده‌ی زن انگلیسی به نام لیدی کوک می‌گوید: «مردان به اختلاط عادت دارند، به همین خاطر زن هم طمع به امری مخالف فطرتش نمود، هر چقدر اختلاط بیشتر باشد، فرزندان حاصل از زنا نیز بیشتر خواهند بود، و این بلای بزرگ برای زن است... تا جایی که می‌گوید: «به آنان بیاموزید که از مردان دور باشند، آنان را از عاقبت و سرانجام دامی که در کمینشان است؛ مطلع سازید.»

یعنی ای مرد، اگر از کسانی هستی که از غربیان و بیگانگان خوشت می‌آید، این نظر بیگانگان فهیم و باخرد است، شوپنهاور آلمانی می‌گوید: «بگو این اشکال بزرگی در ساختار اوضاع و احوال ماست که زن را به مشارکت با مرد در عزت و بلندمرتبتگی وی فراخوانده و غرق شدن زن در خواسته‌های فرومایه اش را برایش آسان گردانیده است تا جایی که با نیروی قدرتش و دیدگاه‌های فرومایه اش شهر مدرن را به فساد کشانده است.»

به سرزمین‌های غربی می‌روی، همه چیز را زیبا و منظم می‌یابی اما فساد گسترده غیر قابل تحمل است. لرد بایرون می‌گوید: «ای خواننده، اگر به وضعیت زن در گذشته‌های یونان بیندیشی، او را در حالت طبیعی می‌یابی اما زن باید کارهایی که برایش ساخته شده؛ را انجام دهد و از اختلاط با دیگران پرهیز نماید.»

آلکسی کاریل در کتابش می‌گوید: «انسان این موجود مجهول» می‌گوید: «بهترین نظام این است که مرد تنها به دیدن یک زن بسنده کند.»

یک دانشمند انگلیسی دیگر می‌گوید: «نظامی که در آن زن مجبور به اشتغال در کارخانه‌ها باشد، به هر میزان که برای کشور کسب در آمد کند، اما نتیجه اش برای کانون زندگی را ویران می‌کند؛ زیرا کانون خانه را نابود و ارکان خانواده را منهدم، و روابط اجتماعی را از هم می‌گسلاند. زن را از شوهرش می‌گیرد، فرزندان را از نزدیکانشان محروم می‌سازد، در واقع اخلاق زن را زیر سؤال می‌برد. وظیفه‌ی واقعی زن خدمت و توجه به شوهر و فرزندانش است.»

دکتر دیگری می‌گوید: «علت بحران‌های خانوادگی در آمریکا و راز افزایش جرم و جنایت در جامعه این است که همسر خانه اش را رها کرده است تا درآمد خانواده را افزایش دهد، پس درآمد بیشتر شد اما سطح اخلاق پایین آمد» سپس گوید: «تجربه ثابت کرده است که بازگشت زن به خانه تنها راه نجات نسل جدید از بحرانی است که انسان گرفتار آن است.»

من این متن‌های دانشمندان بزرگ غربی را نمی‌آوردم برای این که از آنان خوشم می‌آید، ما کتاب و سنت را داریم، اما آن دسته از کسانی که زندگی غرب را زندگی سطح و الایی می‌دانند، بدانند که خود غرب هم از این امر رنج می‌برد.

یکی از اعضای کنگره آمریکا می‌گوید: «زن اگر در خانه که اساس خانواده است بماند، واقعا به دولت خدمت خواهد نمود»

یکی دیگر از اعضا می‌گوید: «وقتی خداوند امتیاز به دنیا آوردن کودکان را به زن بخشید، از او نخواست که فرزندانش را رها کند تا بیرون از خانه کار کند، بلکه وظیفه‌ی اصلی اش ماندن در خانه برای مراقبت از کودکان است.» این‌ها کسانی هستند که برخی از مردم به آنان علاقمندند. شوپنهاور

آلمانی می‌گوید: «به زن آزادی مطلق، کامل و بدون هیچ نظارتی را بدهید سپس یک سال بعد ببایید تا نتیجه را ببینید، فراموش نکنید که با من فضیلت، عفت و ادب را خواهید دید.»
 برادران ارجمند، می‌توانیم به طور خلاصه بگوییم: مستقر شدن زن در خانه‌اش و سر و سامان دادن امور مرد بعد از انجام امور دینش، امری است که با طبیعت، فطرت و کیان او متناسب است و به مصلحت او، جامعه و نسل جوان می‌باشد، اگر وقت اضافی داشته باشد، می‌تواند شغلی متناسب با زنانگی و شریعتش داشته باشد، می‌تواند کودکان را تعلیم دهد، می‌تواند در اوقات فراغتش کاری متناسب با زنانگی، طبیعت و منهج خداوند عز و جل داشته باشد.

اختلاط غیرت را از بین می‌برد:

برادران عزیز، نویسنده‌ی دیگری معتقد است که اختلاط باعث خاموش شدن غیرت می‌شود، مردانگی ای که سیدنا سعد آن را نشان داد و صحابه از غیرتش شگفت زده شدند، سعد بن عبادہ گفت:

((لَوْ رَأَيْتَ رَجُلًا مَعَ امْرَأَتِي لَضَرَبْتُهُ بِالسَّيْفِ غَيْرَ مُصَفِّحٍ، فَبَلَغَ ذَلِكَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: أَتَعْجَبُونَ مِنْ غَيْرَةِ سَعْدٍ، وَاللَّهِ لَأَنَا أَغْيَرُ مِنْهُ، وَاللَّهِ أَغْيَرُ مِنِّي، وَمِنْ أَجْلِ غَيْرَةِ اللَّهِ حَرَّمَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ))

(اگر مردی را همراه همسر ببینم، بدون هیچ گذشتی او را با شمشیر می‌زنم، خبر این امر به رسول الله صلی الله علیه وسلم رسید، پس فرمود: آیا از غیرت سعد شگفت زده می‌شوید، به خدا قسم من از او غیرتمندترم، و خدا از من غیرتمندتر است، به خاطر غیرت خدا، پیدا و پنهان فحشا را حرام گردانیده است.)

[متفق علیه از سعد بن عبادة]

اختلاط غیرت را می‌میراند، مردی را می‌بینی که همسرش در نهایت آرایش و آراستگی در کنارش نشسته و او بی‌خیال و راحت است، یا با خاطری آسوده در کنار همسرش که لباس نامناسب دارد؛ می‌نشینی، غیرتش کجاست؟

لوازم اختلاط:

برادران، از جمله لوازم اختلاط دست دادن است، مردان با زنان دست می‌دهند و با یکدیگر خوش آمد گویی می‌کنند. عایشه گفته است:

((وَاللَّهِ مَا مَسَّتْ كَفُّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَفَّ امْرَأَةٍ قَطُّ وَكَانَ يَقُولُ لَهِنَّ إِذَا أَخَذَ عَلَيْهِنَّ: قَدْ بَايَعْتُنَّ كَلَامًا))

(به خدا قسم دست رسول الله صلی الله علیه وسلم هرگز دست زن دیگری را لمس نکرد و همواره در وقت بیعت گرفتن می‌گفت: زبانا با شما بیعت کردم.)

[متفق علیه از عائشة]

وقتی زنان صحابی برای سلام کردن نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد، به او گفتند: دستت را دراز کن تا با تو بیعت کنیم ای رسول خدا، فرمود: من با زنان دست نمی‌دهم. این حکم شریعت است درحالی که او معصوم است و با وحی تأیید می‌شود. چه ایرادی در اختلاط وجود دارد؟ نگاه حرام به چهره و بدن و غیره. خداوند عز و جل می‌فرماید:

﴿ قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ﴾
 (به مردان مؤمن بگو: چشمان خود را فرو گیرند، و عورت‌های خویشان را مصون دارند. این برای ایشان زیبنده تر و محترمانه تر است. بی‌گمان خداوند از آنچه انجام می‌دهند آگاه است).

[سوره‌ی نور: ۳۰]

رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید:

((خَيْرُ صُفُوفِ الرِّجَالِ أَوْلَاهَا وَشَرُّهَا آخِرُهَا، وَخَيْرُ صُفُوفِ النِّسَاءِ آخِرُهَا وَشَرُّهَا أَوْلَاهَا))
(بهترین صفوف مردان آغاز آن و بدترینش پایان آن است و بهترین صفوف زنان پایان آن و بدترینش آغاز آن است.)

[سلم، ترمذی، أبو داود، نسائی، ابن ماجه، أحمد و دارمی از أبي هريرة]

پیامبر علیه الصلاة والسلام صفوف زنان و مردان را با صف کودکان از هم جدا می‌کرد. از طرف دیگر اختلاط در خانه‌ها: خانواده‌ها به دیدار یکدیگر می‌روند، خویشاوندان، همسایگان، دوستان، دوستداران و آشنایان، این پسر عمویش است، دیگری پس خاله اش است، این پسر عمه اش است، این باجناقش است، آن یکی خانواده‌ی همسایه اش است، این اختلاط باعث مشکلات روحی، روانی و اجتماعی می‌شود که البته برای جامعه خطرناک است. برادران گرامی، اگر نصوص قرآنی مربوط به زن و احادیث نبوی مربوط به زن را بخوانید، از همه‌ی آن‌ها استنباط می‌کنید که اختلاط قطعاً حرام است و خانواده در اسلام باید وظیفه‌ی آرمانی خودش را از طریق ممانعت از اختلاط زن با مرد، حفظ کند. شاید کسی بگوید: این برادرم است، پسر عمویم است. شاید کسی بگوید: مگر با این روابط صمیمانه چه می‌شود، کرد؟ خطر همین جا در کمین است، رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید:

((إِيَّاكُمْ وَالذُّخُولَ عَلَى النِّسَاءِ فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَفَرَأَيْتَ الْحَمَوُ؟ قَالَ: الْحَمَوُ الْمَوْتُ))
(مبادا بر زنان وارد شوید، مردی از انصار گفت: ای رسول الله، برادر شوهر چطور؟ فرمود: برادر شوهر یعنی مرگ.)

[متفق علیه از عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ]

برادر شوهر کیست؟ یکی از خویشاوندان نزدیک است، برادر شوهر است، پسر عمویش، پسر عمه اش، پسر دایی اش، پسر خاله اش، دامادش و به همین ترتیب. برادران گرامی، حقیقت این است، اما ممکن است حقیقت کمی عجیب باشد؛ زیرا اکثریت مردم از آن فاصله گرفته اند، وقتی حقیقت ضایع شود؛ لغو نمی‌شود، حق همیشه حق است و باطل، باطل است. اما دعوتی‌ها و دیدارهای مختلطی که مردم به آن عادت کرده اند، همه بر خلاف شریعت است، آنان بهای گزافی برای آن می‌پردازند و مشکلات بی‌شمار خانواده‌ها همه به دلیل همین اختلاط است. برادران گرامی، خود را محاسبه کنید پیش از این که محاسبه شوید، اعمالتان را بسنجید پیش از این که برایتان سنجیده شود، بدانید که فرشته‌ی مرگ از ما گذشته و به سراغ دیگری رفته و هر لحظه ممکن است از دیگران بگذرد و به سراغ ما بیاید، پس باید مراقبت باشیم، عاقل کسی است که خود را محکوم کند و خودش را برای پس از مرگ آماده سازد و ناتوان کسی است که از هوس هایش پیروی کرده و از خداوند آرزوهایی داشته باشد، و سپاس پروردگار جهانیان را.

خطبه‌ی دوم

گواهی می‌دهم که معبودی وجود ندارد به جز الله که ولی صالحان است و گواهی می‌دهم که محمد بنده و رسولش هست و دارای اخلاق بزرگ است. پروردگارا! درود، سلام و برکت بفرست بر سرورمان محمد و بر تمام خاندان و یارانش.

تحلیل و بررسی غربیان نسبت به فساد جامعه‌ایشان و شناخت اسباب این فساد:

برادران، مسئله‌ی تازه‌ای را برای شما عنوان می‌کنم، رئیس جمهور اسبق آمریکا در سال ۱۹۶۲ م تصریح کرد که آمریکا با خطری جدی روبه‌رو است، جوانانش نادان هستند، بی‌بندوباری، غرق در شهوت، و نسبت به مسئولیت‌هایی که به آنان واگذار شده بی‌مسئولیت‌اند. از هر هفت جوانی که برای سربازی ثبت نام می‌کنند، شش نفرشان واجد شرایط نیستند؛ زیرا شهوتی که در آن غرق شده‌اند، توانمندی و قوای بهداشتی و روانیشان را از دست داده‌اند. نتیجه‌ی اختلاط موجود بین پسران و دختران در مدارس و دانشگاه‌ها، روزنامه‌های لبنانی آورده است که دختر دانش آموز در مدرسه و دانشگاه جز به عواطف و احساسات و راه‌های برآوردن کردن این احساسات نمی‌اندیشد و بیشتر از دختران دانشجوی در امتحانات مردود می‌شوند. دلایل این شکست این است که آنان بیشتر از درس و حتی آینده‌یشان، به مسائل جنسی می‌اندیشند. الکسی کاریل مقوله‌ی بسیار زیبایی دارد، می‌گوید: «وقتی غریزه‌ی جنسی انسان تحریک می‌شود، بدن انسان ماده‌ای ترشح می‌کند از خون به مغز نفوذ کرده و وی را از اندیشه و تفکر درست و روشن بازمی‌دارد.»

این اختلاط، این بی‌بندوباری و هر مشکل دیگری که زن در آن است، هر کالایی که با زنی شبه‌عریان آراسته شده است، تمام تبلیغات همگی از طریق زن انجام می‌شود، این چه تأثیری بر انسان دارد؟ به طور مداوم انسان را تحریک می‌کند. پیش‌تر در مورد تحقیقی که برخی دانشمندان چندین سال پیش در کشوری عربی انجام دادند؛ صحبت کردم که چطور انسان حین تحریک شدن با دیدن منظره‌ی یک زن بی‌بند و بار، هرمون جنسی در خونسر ترشح می‌شود و این هرمون اگر به طور مستمر در خون جریان داشته باشد، باعث آفت‌های بسیاری می‌شود که تعداد این آفت‌ها به بیش از بیست مورد می‌رسد پس هر آن چه در دنیای انحراف رخ می‌دهد، نتیجه‌ی مخالفت با منهج خداوند عز و جل است، گوید: داعیان اختلاط از عقلاشان دستور نمی‌گیرند بلکه شهوت بر آنان حکمفرماست. گزارش دیگری از جرایم نوجوانان، می‌گوید: یکی از مهم‌ترین اسبابش، اختلاط زیاد بین پسران و دختران جوان است. حکمت علمی و عملی حدیث شریف که چارچوب منهجی در تعیین عرصه‌ی روابط اجتماعی است؛ تأکید می‌کند که یکی از بزرگ‌ترین آثار و پیامدهای اختلاط، از بین رفتن حیایی است که به به طور ویژه حصار محافظ و مدافع زن محسوب می‌شود و منجر به انحرافات رفتاری می‌گردد که تقلید از دیگران را در قالب شعار تمدن و آزادی جایز می‌داند. بررسی بسیاری از جنایات‌های اخلاقی ثابت کرده است که اختلاط جایز مسئول تمام این مشکلات است و پیروان اختلاط در مورد رسوایی‌های بی‌شماری که میان کسانی که اختلاط کرده و با زن نامحرمی که برایش حلال نیست خلوت می‌کنند؛ چه می‌گویند؟

برادران گرامی: این اولین و آخرین باریست که سخنانی از آن دسته از بیگانگانی که برخی مردم به آنان علاقمند هستند؛ برایتان می‌آورم. دیدگاه آنان نسبت به اختلاط این گونه است، آنان فساد جامعه‌ایشان را بررسی کرده و آن را به اختلاط نسبت دادند و ما نیز همان راه ایشان را در پیش گرفته ایم درحالی که منهج، کتاب، سنت و وحی خداوند عز و جل را همراه داریم.

دعا:

خدایا ما را جزو هدایت یافتگان و شفا دادگانت و افراد تحت ولایتت قرار ده و هر چه به من عنایت فرموده‌ای، مبارکش بگردان و مرا از قضای بد، حفاظت کن، تویی که حکم می‌کنی و احادی بر تو حاکمیت ندارد. قطعاً کسی که تو او را حمایت کنی، ذلیل و خوار نمی‌شود؛ پروردگارا! تو بابرکت و

بلندمرتبه هستی و تو را سپاس به خاطر آنچه حکم نمودی. پروردگارا به ما ببخش و ما را محروم نکن. ما را بزرگ بدار و خوار مکن. ما را ترجیح بده و دیگران را بر ما ترجیح مده. ما را راضی کن و از ما راضی شو.

پروردگارا! دین ما را که محافظ کار ماست، دنیای ما را که در آن معاش و زندگی ماست و آخرت ما را که بازگشت ما به سوی آن است اصلاح کن و زندگی را برای ما توشه‌ای از هر خیری بگردان و مرگ را باعث راحت شدن از هر شری بگردان.

مولای ما! ای رب العالمین! پروردگارا! ما را با حلال از حرام خود و با طاعت از نافرمانی خود و با فضل خود از غیر خودت بی‌نیاز کن.

پروردگارا! مگر خود را متوجه ما نکن، حمایت خود را از ما بر ندار و ما را چنان نکن که یاد تو را فراموش کنیم ای پروردگار عالمیان.

پروردگارا! چهره‌های ما را با توانگری حفظ کن و چهره‌های ما را با بینوایی خوار نکن تا مجبور به درخواست از بدترین مخلوقات شویم و مبتلا به تعریف و تمجید بخشنندگان و ذم و بدگویی بخیلان شویم، در حالی که تو برتر از آنها و صاحب بخشش هستی و خزانه‌های آسمان و زمین فقط در دست توست.

پروردگارا! چنان که چشم‌های اهل دنیا را با دنیای آنان روشن کردی، چشم‌های ما را با خشنودی خود روشن کن ای پروردگار عالمیان!

پروردگارا! آن روزی هابی را که دوست داریم و به ما ارزانی نمودی یاری گر ما در آنچه تو دوست داری بگردان و آن روزی هابی را که دوست داریم و از ما باز داشتی، جایشان را برای آنچه دوست داری خالی کن.

پروردگارا! ما از فقر فقط به تو پناه می‌آوریم، از ترس تنها به تو پناه می‌جوئیم و از ذلت فقط تو را پناهگاه خود قرار می‌دهیم. از درد بی‌درمان، شادی دشمنان و گرفتن نعمت‌های بخشیده شده به تو پناه می‌آوریم ای سرور ما! ای پروردگار عالمیان!

پروردگارا! به فضل و کرم خود کلمه‌ی حق و دین را بالا ببر، اسلام را یاری ده و مسلمانان را عزیز بدار و شرک و مشرکان را خوار و ذلیل گردان.

ای پروردگار عالمیان! دست و ایان مسلمان را بگیر و به سوی آنچه دوست داری و می‌پسندی ببر، چون تو بر هر کاری که خواهی توانا هستی و شایسته‌ی اجابت دعایی.